

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۸ - ۸۱

## عمل نیک و اهمیت آن در نهج البلاغه

مهرناز دادخواه<sup>۱</sup>

طیبه اکبری راد<sup>۲</sup>

محمد قاسمی<sup>۳</sup>

### چکیده

در این مقاله در صددیم تا واژه عمل و اهمیت عمل نیک را از منظر امیر مومنان (ع) با تکیه بر خطبه‌ها، نامه‌ها و جملات قصار آن حضرت در کتاب ارزشمند نهج ابلاغه مورد بررسی قرار داده، آثار اعمال نیک و موانع آن را بیان نماییم؛

در نهج البلاغه امام علی (ع) اعمال نیک با واژه‌هایی چون الاحسان، المعروف، البر، الخیر و خود کلمه عمل و نیز تقوی به کار رفته است. از منظر امیر مومنان (ع) تقوی و عدم خواری و حقارت، محو بدی‌ها، تسخیر قلوب، از جمله آثار مثبت اعمال نیک و بخل و منت گذاشتن و پاداش نیکوکار ندادن و ... هم از موانع انجام اعمال نیک محسوب می‌گردند. در مقاله حاضر به مباحث موضوعی عمل نیک و همچنین اهمیت آن در نهج البلاغه با روش توصیفی تحلیلی پرداخته شده و به ابهامات و سوالات متعدد در این زمینه پاسخ داده شده است.

### واژگان کلیدی

عمل نیک، نهج البلاغه، امیر مومنان (ع).

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: mehrnaz\_dadkhah@yahoo.com

۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: akbariradtaiebeh@gmail.com

۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: dr.ghasemi92@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۴

## طرح مسأله

یکی از پر بسامدترین و با اهمیت‌ترین کلماتی که در نهج البلاغه بکار رفته، کلمه عمل است. عمل به کار و هر فعلی از جاننداری که با قصد انجام شود، گفته می‌شود، بنابراین این کلمه اخص از کلمه فعل است که به کارهایی اطلاق می‌گردد که بدون قصد انجام شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۵۷).

عمل در حقیقت به رفتار و کردار نیز اطلاق می‌گردد که جمع این کلمه نیز اعمال می‌باشد. هر عمل در حقیقت هم شامل خود عمل است و هم نیتی که زمینه‌ساز آن بوده که از آن به اعمال خارجی و جانبی یاد می‌شود (جوادی املی، ۱۳۸۸: ۲۹۷).

برخی اصل عمل را در لغت «دَوُّوب» ذکر کرده‌اند که به معنای کوشش و خستگی در کار ذکر کرده‌اند (عسگری، ۱۴۱۸: ۱۲۷).

در قرآن کریم هر عمل و فعلی تابع خصوصیتی است، واژه‌هایی چون صالح، خیر، حسن، بر و معروف از توصیفاتی است که درباره عمل بکار رفته است.

عمل نیک که در قرآن و روایات با قیدهایی همچون، صالح، صالحا، صالحات یا بدون ذکر هیچ قیدی و فقط کلمه عمل ذکر شده، به همراه معادل‌ها و مترادفاتش بارها و بارها در آیات و سوره‌های مختلف بکار گرفته شده مثل: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا» (سوره فصلت، ۴۶) و (سوره جاثیه، ۱۵) و یا عبارت: «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» ۵۱ بار در قرآن تکرار شده است.

عمل نیک با واژه‌هایی چون، احسان، احسنوا، معروف، بر، خیر و سعی نیز در قرآن وارد شده است. مانند: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا» (سوره انعام، ۱۶۰) هر کسی کار نیکی انجام دهد، ده برابر پاداش می‌برد. و یا «وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ» (سوره بقره، ۱۱۰ و سوره مزل، ۲۰) آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می‌فرستید نزد خدا به بهترین وجه خواهید یافت. همانگونه که اشاره گردید، گاهی از عمل نیک در قرآن از کلمه سعی استفاده شده مثل: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش (نیکی) او نیست.

و یا کلمه احسنوا که چه صورت ماضی و چه امر به معنای نیکی بکار رفته: «أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (سوره بقره، ۱۹۵) نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد. و یا کلمه بر در آیه شریفه: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْهَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (سوره بقره، ۴۴) آیا مردم را به نیکی فرا می‌خوانید و خود را فراموش می‌کنید. و یا کلمه معروف در آیه شریفه زیر به معنای عمل نیک بکار رفته است:

«یا بُنَّیْ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَ اْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (سورہ لقمان، ۱۷) ای فرزندم، نماز را برپای دار و امر به معروف و نہی از منکر کن.

کہ مقصود از معروف در اینجا نیکی و کارهای شایسته است. اما در نہج البلاغہ امیرمومنان نیز واژه عمل و اہمیت عمل نیک، با واژه هایی چون الاحسان، المعروف، البر، الخیر و نیز خود کلمہ عمل بکار رفته کہ بہ ذکر نمونه هایی از آنها بسندہ می کنیم: «و صنائع المعروف فإنها تقی مصارع الہوان...» نیکوکاری از ذلت و خواری نگہ می دارد (دستی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۱) و یا در این عبارت واژه عمل بہ معنای کار نیک می باشد. «فَاعْمَلُوا، وَ الْعَمَلُ يُرْفَعُ، وَ التَّوْبَةُ تُنْفَعُ» (دستی، همان، ۴۶۷) کار (نیک) انجام دهید زیرا کہ کار نیک انسان را بالا می برد و توبہ سود می رساند. و یا در عبارت زیر کلمہ تقوی (بہ معنای کار نیک، خویشتن داری است):

«إِنَّ مَنْ صَرَحَتْ لَهُ الْعَبْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَرَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَقْحُمِ الشُّبُهَاتِ» کسی کہ عبرت ها برای او آشکار شود، و از عذاب آن پند گیرد، تقوا و خویشتن داری او را از سقوط در شبہات نگہ می دارد (خطبہ ۱۶، ص ۸۴).

و یا آنجا کہ می فرماید: «وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ حُرْتُ الْأَخِرَةِ» عمل صالح مزرعہ آخرت است (خطبہ ۲۳، ص ۱۰۲).

و یا در جایی می فرماید: «فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامٍ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ نَفَعَهُ عَمَلُهُ وَ لَمْ يَضُرَّهُ أَجَلُهُ» هر کس کہ در روزگار آرزو قبل از فرا رسیدن اجلش اعمال (نیک) انجام بدهد، این عملش بہ نفع او خواهد بود و اجلش بہ ضرر او نخواهد بود (خطبہ ۲۸، ص ۱۱۶).

در این مقاله برآنیم تا بہ سوالات زیر پاسخ دهیم:

اعمال نیک از منظر امیر مومنان (ع) چیست؟

آثار مثبت اعمال نیک از منظر امیر مومنان (ع) در انسان کدامند؟

آثار منفی اعمال نیک از منظر امیر مومنان (ع) در انسان کدامند؟

اعمال نیک از منظر قرآن و واژه های مرتبط بہ آن چه می باشند؟

با توجہ بہ اینکه در رابطہ با این موضوع هیچ تحقیق مستقلی صورت نگرفته و موضوع در نوع خود بدعت و نوآوری برخوردار می باشد، ولی میتوان بہ برخی پژوهش های مشابہ در این حوزہ اشارہ نمود:

خانم طیبہ اکبری راد کتابی با عنوان عمل صالح و مصادیق آن در قرآن کریم نوشته کہ این کتاب در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات کویر بہ چاپ رسیدہ است، این کتاب با روش معناشناسانہ آن را مورد بحث قرار دادہ است.

فریدہ امینی و همکاران پژوهشی دربارہ مفهوم سازی اعمال نیک در قرآن کریم با رویکردی شناختی داشته اند کہ بہ استعارہ های مفہومی اعمال نیک در قرآن کریم پرداختہ شدہ است.

حسین خوشدل مفرد تحقیقی درباره حوزه معنایی عمل صالح در قرآن کریم بررسی کرده‌اند که در این مقاله در صدد بررسی حوزه مفهومی عمل صالح و ارتباط آن با مفاهیم مشابه همین خیر، عمل حسن و ... بوده است. ایشان با بررسی آیات قرآن به این نتیجه رسیده که عمل صالح یک عمل کاملاً شرعی و دینی است که توسط پیامبران و از جانب خدا به مردم معرفی شده و هر دینی عمل صالح مخصوص خود را داشته است، اگر چه مشترکات زیادی در میان آن‌ها دیده می‌شود (پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، پاییز ۸۸).

سید محمد علوی مقدم و رجیبی مقاله‌ای درباره بازتاب احسان و نیکوکاری به آموزه‌های علوی بر پایه اندیشه‌های امام علی (ع) کار کرده‌اند. در این پژوهش که با هدف تحسین دیدگاه مولا علی (ع) در مورد نیکوکاری صورت گرفته است، هدف انجام کار نیک در جامعه معرفی گردیده است. این مقاله در فصلنامه نهج و شماره ۴۱ در تابستان ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. سردار شهبایی (۱۳۸۲) در آمدی به تحقیق و بررسی خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه در وصف پرهیزکاران، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دارد.

### عمل و مفهوم آن در قرآن کریم

در قرآن کریم، عمل با پسوند‌هایی مانند عمل حسن، عمل خیر، عمل صالح، و در معنای عمل نیک نیز با کلماتی مثل برّ، حَسَن، حَسَنَةٌ و حسنات، صالحات، معروف ... آورده شده است و در مقابل آن عملاً سوء، سَيِّئًا، سَيِّئَات، مُنْكَر و ... می‌باشد. اینک به بررسی برخی از این واژه‌هایی که به معنای کار نیک در قرآن کریم بکار رفته اند می‌پردازیم:

#### ۱. واژه ی خیر

این واژه در قرآن کریم هم بصورت وصفی و هم اسمی بکار رفته و شامل همه امور ارزشمند، سودمند، مطلوب و نافع را در بر می‌گیرد، این واژه گاهی در امور دنیوی بکار می‌رود و به معنای مال و ثروت بکار می‌رود، مانند: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۱۸۰) و گاهی در امور دینی و اعتقادی مثل: «إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا...» (انفال، ۷۰) (اکبری راد، ۱۰۱، ۱۳۹۵)

#### ۲. صالح و مشتقات آن

ریشه صالح و اصلاح، بیش از ۱۷۰ بار در قرآن کریم تکرار و حدود ۸۰ بار در اشکال مختلف: عملوا الصالحات، عملاً صالحاً، تعمل صالحاً، عمل صالح، العمل صالح، اعملوا صالحاً، و ... استفاده شده و حدود ۳۰ بار این واژه بصورت‌های گوناگون: صالحاً، صالحین، صالحون و صالحات و ۲۸ بار بصورت اصلاحاً، اصلحوا، تصلحوا، لا یصلح و ... بکار رفته است. در مواردی عمل صالح در تقابل با «سئیه» بکار رفته است: «مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّآ مِثْلَهَا» (سوره

غافر، آیه ۴۰)

عمل صالح پیوسته با ایمان بکار رفته و نشانگر یک رابطه بسیار عمیق که از لحاظ وابستگی معنایی به هم می پیوندند و نیز این کلمه با تقوا نیز آمده است: «فَمَنْ اتَّقَىٰ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (سوره اعراف، آیه ۳۵) و نیز با کلمه صبر هم مشترک آمده است: «إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (سوره هود، آیه ۱۱) (اکبری راد، ۱۳۹۵، ص ۲-۳۰)

در تفسیر نمونه، صالحات را همان اعمال شایسته می داند که نه فقط عبادت، نه انفاق فی سبیل الله، نه فقط جهاد در راه خدا، نه تنها کسب علم و دانش، بلکه هر کار شایسته ای که وسیله ی تکامل نفوس و پرورش اخلاق و قرب الی الله و پیشرفت جامعه ی انسانی در همه ی زمینه ها شود را شامل می شود (مکارم، ۲۷/۲۹۹).

مولف تفسیر سوره ی والعصر می گوید: عمل صالح، شامل ادای واجبات و ترک محرمات و شامل هر عملی که فعل یا ترک آن به صلاح فرد، جامعه، دین، دنیا و آخرت انسان باشد، می شود (جویری، ۲۲۶).

اما بطور کلی می توان گفت، اعمال نیک و صالح در قرآن کریم، مبتنی بر شرع بوده و بر پیروان هر شریعتی واجب است، و شرع آنها را مشخص و بیان نموده است. بنابراین عمل صالح و نیک، عملی است که خداوند بوسیله ی پیامبران و فرستادگان و اولیای الهی در قالب ادیان برای مردم معرفی، مشخص و واجب نموده است. اینک برای روشن تر شدن مفهوم اعمال نیک به تفاوت ها و جایگاه واژه هایی که برای مفهوم عمل نیک در قرآن بکار رفته اند می پردازیم:

### ۳. عمل خیر

خیر واژه ای است جامع و فراگیر که معنای آن هر چیز ارزشمند را شامل می گردد، هم امور دنیوی و هم معنوی. مثل این آیه شریفه: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأَدِئِنِّ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (بقره ۱۸۰) که در این آیه ی شریفه، خیر به معنای مال و ماترک میت بکار رفته است. پس به لحاظ دامنه ی معنایی، از عمل صالح که پیش تر بیان گردید، فراتر است، زیرا هم در امور دنیوی کاربرد دارد و هم اخروی. و یا در آیه ی شریفه ی: «قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۱۵). در این آیه کلمه خیر دو بار تکرار شده و در هر دو با معنایی متفاوت، چنانچه در معنای اول منفعت دنیوی منظور بوده و در معنای دوم امور دینی و ایمانی و هر عمل شایسته که می توان آن را معادل عمل صالح دانست. اما واژه ی حسن که هم بصورت مفرد و هم جمع و هم مذکر و هم مونث بکار رفته است (حسنا، حسنه، حسنات ...) به هر چیزی که احساس خوشی،

رضایت، زیبایی را در انسان برانگیزد را شامل می‌شود و مانند کلمه ی خیر، هم امور دنیوی را شامل می‌شود و هم اخروی، بعنوان مثال در آیه ی شریفه ی زیر به معنای "لذیذ" بکار رفته است. «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا» (نحل، ۶۷). و یا در آیه شریفه آل عمران به معنای زیبا و نیکو و ... بکار رفته است. «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقُبُولِ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران، ۳۷). خداوند او را (مریم را) به طرز نیکویی پذیرفت، به طرز شایسته ای نهال وجود او را رویانید.

#### ۴. واژه معروف

واژه معروف از ریشه عرف به معنای مشهور و نیز کار نیک بکار رفته است. این واژه ۳۹ بار در قرآن کریم بکار رفته که مهمترین واژه مقابل آن منکر و نکر و جهل است که آن هم به معنای ناشناخته آمده است و نیز در معنای زشت و ناپسند بکار رفته است.

گاهی واژه معروف به عنوان یک اصطلاح دینی بکار رفته است مثل آیه شریفه: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰) و گاهی به معنای امر شناخته شده و پذیرفته شده در شرع یا عرف: «... قَوْلًا مَعْرُوفًا» (سوره احزاب، آیه ۳۲) و یا «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَى» (سوره بقره، آیه ۲۶۳) و گاهی نیز به مسائل حقوقی قرآن بکار رفته است:

«فَأَمْسِكُوهُمْ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَحُوهُمْ بِمَعْرُوفٍ» (سوره بقره، آیه ۲۳۱)

«وَلِلْمُطَلَّاقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (سوره بقره، آیه ۲۴۱) (اکبری راد، ۱۳۹۵،

ص ۸۶-۸۰)

#### ۵. مفهوم برّ در قرآن کریم

این واژه در قرآن کریم یک بار با فتح ب و گاه به کسر ب بکار رفته است که اولی با معنای وصفی و دومی با معنای مصدری می‌باشد: «إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ» (سوره طور، آیه ۲۸).

این واژه در قرآن کریم در مقابل واژه جبار بکار رفته است: «وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (سوره مریم، آیه ۳۲) و گاهی جمع این واژه یعنی ابرار، در مقابل فجار بکار رفته است: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» (سوره انفطار، آیه ۱۳-۱۴) (اکبری راد، ۱۳۹۵، ۱۱۲).

#### مصادیق اعمال نیک در قرآن کریم

در سوره والعصر دو مصداق از مصادیق عمل صالح را بیان می‌نماید: توأسی به حق و توأسی به صبر. (طباطبایی ۱۳۷۴ ج ۲۰، ص ۶۱۰) و در آیه ی ۸۲ سوره بقره که می‌فرماید «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» در ادامه ی آن یعنی در آیه ی ۸۳

به مصادیق آن می پردازد «وَأُذِ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» که بطور خلاصه عبادت خداوند، احسان به والدین و خویشان و یتیمان و مسکینان و به نیکی با مردم سخن گفتن، برپا داشتن نماز و پرداخت زکات می باشند. و در آیات متعدد دیگری نیز مثل آیه ۷ سوره عنکبوت: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ»: و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، قطعاً لغزش‌های آنان را می‌پوشانیم، و بی شک بهتر از آنچه عمل می‌کرده‌اند پاداششان می‌دهیم؛ و آیه ۱۵ سوره احقاف: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي دُرِّيَّتِي إِنَِّّي تَبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»: و ما انسان را سفارش کردیم که به والدین خود نیکی کند، مادرش او را با سختی حمل کرد و با سختی به دنیا آورد و دوران حمل تا از شیر گرفتنش سی ماه (به طول کشد)، تا آنگاه که به رشد کامل رسد و چهل ساله شود، گوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا نعمتی را که بر من و بر پدر و مادر من لطف کردی، شکرگزاری کنم و عمل شایسته ای انجام دهم که تو آن را بپسندی و فرزندانم را برای من صالح و شایسته گردان، همانا من به سوی تو بازگشته و از تسلیم شدگانم؛ احسان به والدین از مصادیق اعمال نیک در قرآن شمرده می‌شود و یا در آیه ی ۵۸ سوره ی مبارکه نساء، ادای امانت و اطاعت از پیامبر خدا و اولی الامر مصادیق عمل صالح و نیک شمرده شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء، ۵۸) و یا در سوره ی مبارکه ی شورا آیه ی ۲۳، محبت و مودت به اهل بیت پیامبر (ص) را مصداق عمل صالح و انجام حسنه و ... می‌داند: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» و در ادامه نیز واژه ی حسنه به معنای عمل نیک آمده است. در برخی آیات مثل آیه ی ۴۸ سوره مبارکه مائده، واژه ی خیرات که به معنای اعمال نیک آمده به نظر علامه طباطبایی به معنای عبادات، انفاق، رفع نیاز مردم آمده است. «فَأَسْتَقِيمُوا الْخَيْرَاتِ» (مائده، ۴۸) (طباطبایی-۱۳۷۴-ج ۳-ص ۵۹۷).

### آثار اعمال نیک در قرآن کریم

در آیات فراوانی از قرآن کریم، آثار خیر و برکت اعمال نیک بیان گردیده است که برخی از آنها آثار دنیوی بوده و برخی اخروی، اینک به برخی از آنها می‌پردازیم:

از جمله آثار اخروی آن می‌توان به آمرزش گناهان، پاداش دائمی، بهشت، رحمت و فضل

الهی، و از آثار دنیوی آن مثل: حیات طیبه، محبوبیت در دلهای، خلافت روی زمین، استجاب دعا و ... را می‌توان نام برد که ذیلاً نمونه‌هایی از آن در آیه‌های زیر ذکر می‌گردد:

۱- بخشش گناهان: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» (عنکبوت، ۷)  
 ۲- حیات طیبه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷)  
 هر کس عمل نیکی انجام دهد چه مرد و چه زن، اگر مومن باشد، زندگی پاک‌ی به او خواهیم داد.

۳- محبوبیت در دل: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم، ۹۶). کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، خدای رحمان ایشان را محبوب دیگران می‌نماید.

۴- خلافت بر روی زمین: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور، ۵۵) خداوند به کسانی که از میان شما ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، جانشینان روی زمین وعده داده است.

۵- استجاب دعا

۶- امنیت از ترس ظلم و نقصان: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا»: و هر کس اعمالش نیکو است و (به خدا هم) ایمان دارد از هیچ ستم و آسیبی بیمناک نخواهد بود (طه، ۱۱۲).

۷- پاداش مضاعف: «مَنْ يَفْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا»: و هر که کاری نیکو انجام دهد ما نیز در آن مورد بر نیکویش بیفزاییم (شوری، ۲۳).

۸- پاداش جاویدان: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ»: مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند که به آنها پاداش دائمی (بهشت ابد) عطا کنیم (تین، ۶).

۹- تبدیل سیئات به حسنات: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبُنَّ السَّيِّئَاتِ»: حسنات و نکوکاری‌ها، سیئات و بدکاری‌ها را نابود می‌سازد (هود، ۱۱۴). (اکبری راد، ۱۳۹۵، ص ۱۷-۸).

### مصادیق اعمال نیک در نهج البلاغه

اینک باید به مصادیق اعمال نیک از منظر امیرمومنان نگاهی داشته باشیم: حضرت عواملی را در جهت خودسازی فردی و عوامل و فضائلی را در راستای جامعه‌ی علوی و نبوی در خطبه‌های خود اشاره می‌فرمایند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱- اخلاق: یکی از مواردی که در خودسازی فردی و افزایش روزی بسیار مهم است، داشتن اخلاق پسندیده است. «سَعَةُ الْأَخْلَاقِ كِيمِيَاءُ الْأَرْزَاقِ»: گشاده‌خُلُقی کیمیای روزی است. (شرح نهج البلاغه، ص ۳۹۸، حکمت ۸۸۴)



و یا در جایی دیگر می فرمایند: «مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ ضَاعَ رِزْقُهُ»: هر که اخلاقش تند باشد، روزی اش به تنگنا و سختی می افتد. (غررالحکم، ج ۱۰۲۳)

۲ - مبارزه با نفس: «صَلَّاحُ النَّفْسِ مُجَاهِدَةُ الْهَوَى» خودسازی، مبارزه با هوای نفس است. (عیون الحکم، ص ۳۳)

۳ - استقامت و پایداری: «مَنْ لَزِمَ الْاِسْتِقَامَةَ لَزِمَتْهُ السَّلَامَةُ»: هر کس که به استقامت پایبند باشد، سلامتی با او خواهد بود. (بحارالانوار، ۹۵/۹۱/۷۸)

۴ - ذکر: «أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ لُزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكِ بِذِكْرِهِ»: شما را توصیه می کنم به تقوای الهی و لزوم اطاعت از فرمان او و ساختن قلبتان با یاد او. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

۵ - تقوی: «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءٌ قُلُوبِكُمْ» تقوای الهی، دوی درد قلب های شماست. (غررالحکم ج ۲-۶ عیون الحکم والمواعظ ص ۵۰، ج ۱۲۹۰)

مساله تقوی از اهمیت بسیار والایی برخوردار است چنانچه در قرآن کریم هم به معیار ارزش و برتری و کرامت انسان ها از آن یاد شده است. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»: گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست (حجرات - آیه ۱۳).

در فرمایشات امیرمومنان نیز به هیچ امری به اندازه ی تقوا تاکید نشده است.

از دیدگاه آن حضرت، هیچ عزت و کرامتی چون تقوی و پارسایی نیست. (نهج البلاغه حکمت ۱۳۰، ص ۳۰۰) و یا در جایی دیگر، تقوی را کلید صلاح، سداد و توشه ها و ... می دانند. «إِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۰)

حتی ایمان نیز بدون تقوی به سر منزل مقصود نمی رسد و مساعی آدمی، ره به جایی نمی برد، زیرا که عاقبت از آن پارسایان است. «والعاقبه للمتقين»: تقوی، محکم ترین پایه و سرآمد همه ی نیکی هاست.

## تقوا

تقوا یکی از مهمترین اعمال نیک و در حقیقت یک هدف ارزشمند در متون اسلامی است و عامل رستگاری و سعادت انسان و از جمله اهداف نزول قرآن کریم شمرده شده است، در اهمیت آن همین بس که ایمان بدون تقوا، سودی نمی بخشد.

تقوا یکی از واژگان کلیدی که در اشکال و قالب های گوناگون برای بندگان بیان گردیده است. این لفظ با مشتقات خود ۲۴۲ بار در قرآن تکرار شده است (عبدالباقی، محمدخواه، ۱۳۷۴، ص ۸۶۶).

تقوی از مصدر وقایه به معنای پیشگیری و محافظت از نفس است. «الوقایه حفظ الشئ مما یؤذیه و یضره ... و التقوی جعل النفس فی وقایه مما یخاف ...»: وقایه حفظ یک چیز از آنچه که

به آن ضرر برساند و یا اذیتش کند می باشد ... و تقوی قرار دادن نفس در پیشگیری از آنچه که ترس آن را دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۸۸۱).

تقوا در اصطلاح شرع، خویشتن داری در برابر گناهان و پرهیز از ارتکاب محارم می باشد. تقوا یک عامل بازدارنده درونی است که در وجود انسان به وجود می آید و او را در برابر ارتکاب کارهای خلاف باز می دارد.

تقوا بصورت یک ملکه نفسانی در انسان ظهور می کند و در برابر طغیان شهوات و ارتکاب کارهای خلاف حفظ می کند. امام صادق (ع) در مورد تقوا چنین می فرماید: «...أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَ لَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ» یعنی تقوا عبارت است از آنکه، خداوند هر جا که دستور داده باشد حاضر باشی و تو را در آنجا غایب نبیند و هر جا که نهی کرده، مشاهده ات نکند (بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۵).

برخی از عالمان، تقوا را به حالت کسی تشبیه کرده اند که از یک زمین پر از خاک عبور می کند و سعی می کند دامن خود را کاملا برچیند و با احتیاط گام بردارد، مبادا خاری در پایش فرو رود (رازی، ج ۱، ص ۱۰۱).

### جایگاه تقوا

در فرهنگ دینی ما، رکن اساسی اخلاق اسلامی، تقواست و بدون آن، اخلاق و ایمان مفهومی ندارد، همانگونه که امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: «لَا يَنْفَعُ الْإِيْمَانُ بَغَيْرِ التَّقْوَى»: ایمان بدون تقوی سودی نمی رساند (مکارم شیرازی، ج ۲۲، ص ۲۰۴).

همچنین قرآن کریم، تقوا را بهترین زاد و توشه معرفی می کند: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (سوره بقره، آیه ۱۹۷). از تقوا و اعمال نیک برای خود زاد و توشه بگیرید که تقوا بهترین زاد و توشه است. فردی که تقوا پیشه کند، حتی فکر گناه و تجاوز در سر نخواهد داشت و تقوا مانعی برای او خواهد بود.

از طرفی، تقوا ملاک کرامت آدمی است با ارزشمندی و قرب انسان در نزد پروردگار ارتباط مستقیم دارد «...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (سوره حجرات، آیه ۱۳): قطعاً که گرامی ترین شما نزد پروردگار با تقواترین شماست و بدون شک خداوند دانا و آگاه است.

تقوا همچنین ملاک پذیرش اعمال انسان است، چنانچه در قرآن کریم نیز بدان اشاره شده است: «...إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (سوره مائده، آیه ۲۷): همانا خداوند اعمال نیک و صالح را تنها از با تقویان می پذیرد.

## انواع تقوا

### ۱- تقوی روحی

یعنی انسان آنقدر روح و نفس خود را تقویت کند کہ تقوا در روحش بصورت ملکہ درآید و او را از آلودگی و گناہ و معاصی حفظ کند. در نتیجہ فرد یک روح پاک داشتہ کہ با آن بہ خدا نزدیک شدہ و راہ تکامل و سعادت را طی می کند (داستانی بی نی سی، ۱۳۵۹، ص ۶۹). لباس و جامہ تقوا، زیباترین و بہترین لباس برای روح و روان مؤمن است. این جامہ، نہ تنہا محدودیت نمی آورد بلکہ برای انسان نعمتی بزرگ است. آنان کہ این لباس را بر تن کردہ اند، از ہمہ اشتباہات و بدی ہا در امانند و با آن بہ سزاوارترین درجہ و رتبہ کمال و انسانیت خواہند رسید (نیشابوری، ۱۳۸۹، ص ۳۰۲).

### ۲- تقوای قلبی

از مواردی کہ انسان باید در آن پرهیزکاری را رعایت کند، پاکی قلب است، امیرمؤمنان علی (ع) می فرماید: کسی کہ پرهیزکاری و تقوا را کم کند، قلبش می میرد (برازش، ۱۳۷۱، ص ۳۰۹). بشر ہمیشہ مورد حملہ شیطان است. او باید خیلی مراقب باشد کہ مبادا، شیطان بہ انسان حملہ کردہ و او را اسیر خود کند، یا بہ ہلاکت برساند (تویسرکانی، ۱۳۷۴، ص ۳۰۲). دلی کہ بہ خاطر معصیت تیرہ شد، سخت می شود و دیگر در آن عشق بہ خدا و ائمہ (علیہم السلام) و عاطفہ جایی نخواہد داشت (جاہد، ۱۳۷۵، ص ۷۹).

### ۳- تقوای فکر و اندیشہ

بدون شک، یکی از بہترین و سزاوارترین نعمت های خداوند بہ انسان، قدرت اندیشیدن است. اگر انسان از این مہبت های الہی درست استفادہ کند، بہ عالی ترین درجات انسانیت و کمالات و بالاترین درجات پرهیزکاری می رسد. فکر کردن، باید بہ روش درست و بہ آن صورت کہ خدا می پسندد باشد، نہ اینکه در برابر این نعمت خداوند کفران شود و بشر در راہ معصیت و گناہ و اعمال خلاف شرع تفکر کند. مانند اینکه فکر کند کہ مردم را چگونه فریب دہد. چنین فردی، در مورد عمل و کردارش، نہ تنہا فکر نمی کند بلکہ اگر تفکر کند، فکر و تفکر او گناہ است (جاہد، ۱۳۷۵، ص ۸۵).

تقوای فکری، تقوای است کہ بشر را از ہرگونہ مخاطرہ و خطرات مغزی و فکری دور کردہ و اجازہ ورود فکرهای نامناسب را نمی دہد (داستان بی نی سی، ۱۳۵۹، ص ۷۰).

#### ۴- تقوای لفظی

زبان یکی از وسایل با ارزش تزکیه انسان است که برای امر به معروف و نهی از منکر و مسائل اخلاقی استفاده می‌شود. انسان‌ها، برای چنین نعمتی باید همواره خداوند را شکر کنند و زبان را در اختیار داشته باشند (جاهد، ۱۳۷۵، ص ۴۱).

تقوای لفظی در دین اسلام و قرآن و اهل بیت (علیه السلام) بسیار مورد سفارش قرار گرفته ولی انسان‌ها اهمیت زیادی بدین موضوع نداده و مراقب سخن گفتن خود نیستند و اسباب ناراحتی خود و دیگران می‌شوند.

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره انعام، آیه ۱۰۸): به کسانی که غیر خدا را می‌خوانند، دشنام ندهید مبدا آنها از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند. اینچنین برای هر ملتی عملشان را زینت دادیم، سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است و آنها را از آنچه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد.

#### آثار تقوا از نگاه امیر مومنان

- ۱- قوت قلب و شجاعت.
- ۲- روح بی‌نیازی و استغنا را در انسان تقویت می‌کند.
- ۳- خشکاندن ریشه‌ی رذایل و صفات نکوهیده.
- ۴- تقوی، میوه‌ی شیرین عفاف است و نیکوکاری را نصیب آدمی می‌کند. «الورع ثمره العفاف» (غرر الحکم، جلد ۱، ص ۵۴).
- ۵- تقوی، میوه‌ی شیرین دین و نشانه‌ی یقین: «التَّقْوَىٰ ثَمَرَةُ الدِّينِ، وَ أَمَارَةُ الْيَقِينِ» (غرر الحکم، جلد ۱، ص ۹۱).
- ۵- تقوی، سپر است: «وَ الْوَرَعُ حِجَّةٌ». این واژه ۴۵ بار در نهج البلاغه و ۱۰۰ بار مشتقات آن استفاده گردیده است. واژه‌ی ورع نیز به همین معنا بوده و در برخی خطبه‌های حضرت به معنای تقوی و پارسایی و پرهیزکاری استعمال گردیده است.
- ۶- قناعت: یکی دیگر از عوامل خودسازی، قناعت است: «أَعْوَنُ شَيْءٍ عَلَىٰ صِلَاحِ النَّفْسِ الْقَنَاعَةُ» (غرر الحکم، ج ۳۱۹۱)

### مصادیق اجتماعی اعمال نیک

- ۱- تقوی: در جای جای نهج البلاغہ، حضرت از واژه‌ی «ووصیکم بتقوی اللہ» - یعنی شما را به تقوای الہی دعوت می‌کنم که معمولاً در سرآغاز سخنان آن حضرت آمده، دعوت می‌نماید. مثل نامہ‌ی آن حضرت به معقل بن قیس ریاحی: «أَتَقِ اللّٰهَ الَّذِیْ لَا بُدَّ لَکَ مِنْ لِقَائِهِ»؛ از خداوندی که ناگزیر از ملاقات با او هستی، پروا کن (نهج البلاغہ، نامہ ۱۲) یا نامہ‌ی ایشان به مالک اشتر نخعی «أَمْرَهُ یَتَّقَوِی اللّٰهَ وَ إِیْثَارِ طَاعَتِهِ» او را فرمان می‌دهد به تقوای الہی، و مقدم داشتن طاعت خدا بر هر کاری (نهج البلاغہ، نامہ ی ۵۳، ص ۹۱۱)
- ۲- زهد: آن حضرت ضمن توصیه‌ی مردم به زهد، آن را این چنین تعریف می‌نماید: زاهد راستین یعنی در ازای آرزوها را بریدن و نعمت‌ها را سپاسگزار بودن و در حریم محرمات، پارسایی گزیدن (نهج البلاغہ، خطبہ ی ۸۱)
- ۳- صبر: حضرت، خویشتن داری در برابر مشکلات را به کشتی نجات تشبیه می‌نمایند.

### اعمال نیکی که باید زمامداران بدان تمسک بجویند

- ۱ - عدالت: حضرت برترین بندگان خدا را پیشوایان عادل معرفی می‌کند.
- ۲ - علم: امام علی (ع) معتقدند که زمامداران در هر مرتبه‌ای از هر حکومت باید علم لازم و متناسب با آن مرتبه را داشته باشند. سزاوارترین مردم به حکومت، داناترین آن‌ها به دستورات خداوند است.
- ۳ - هوشیاری: وی در نامہ‌های خویش خطاب به زمامداران آن‌ها را ضمن سفارش به صلح و دوستی، به هوشیاری در برابر دشمن و احتیاط پیشه کردن توصیه می‌نماید.
- ۴ - شجاعت: ایشان لزوم شجاعت و تهور را در ارتباط با وظایف دینی و مسئولیت‌های حکومتی، همواره گوشزد می‌نمودند.
- ۵ - قاطعیت
- ۶ - وفای به عهد
- ۷ - عدالت اقتصادی
- ۸ - دلسوزی نسبت به اموال بیت‌المال
- برقراری امنیت: خدایا تو میدانی که آنچه از ما سر می‌زند، بخاطر خلافت نبود، بلکه بندگان مظلومت به امنیت برسند. (نهج البلاغہ، خطبہ ۱۳۱، ص ۳۸۸)
- پرده پوشی از عیوب مردم: و ای مالک، دورترین افراد نزد تو کسانی باشند که کاستی‌های مردم را بیشتر می‌جویند. (نهج البلاغہ، نامہ ۵۳، ص ۹۳۶)
- مهر و محبت بر مردم: «وَ أَشْعُرْ قَلْبُکَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِیَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ الِیْهِمْ» : قلبت را ملامال

رحمت و محبت بر مردم قرار بده. (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۹۱۲)

- بازرسی: حضرت به مالک اشتر توصیه می‌نماید که: در کارهایت مراقبت کن و بازرسان راستگو و وفادار بر آن‌ها بگمار، زیرا مراقبت پنهانی تو در کارها، آن‌ها را به امانت داری و سازش با رعیت تضویق خواهند کرد. (نهج البلاغه، ص ۹۲۶)

- گزینش کارگزاران صالح: کارگزاران جامعه، بازوان اجرایی جامعه‌اند، و باید شایستگی لازم را داشته باشند. حضرت در ادامه‌ی نامه‌ی خود به مالک اشتر چنین می‌نویسد:

«از میان لشکریان، آن را که از نظر تو برای خدا و پیامبر و امام خیرخواه‌تر است به فرماندهی برگزین، آن‌ها که دیر به خشم آیند و پوزش بطلبند، و بر ناتوان رحمت آورند و در برابر قوی دستان سر فرود نیاورند.»

- مشورت در امور: حضرت، کارگزاران خود را به مشورت کردن (البته نه با هر فردی) تشویق می‌نماید و از مشورت با انسان‌های حریص و بخیل باز می‌دارد (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۹۴۴).

### عمل نیک و واژه ای معادل آن در نهج البلاغه

در نهج البلاغه نیز اعمال نیک با واژه‌هایی همچون الاحسان، المعروف، البر، الخیر و نیز خود عمل و کلمه تقوی بکار رفته است که به ذکر نمونه‌ای از آن بسنده می‌کنیم:

«وَصَانِعُ الْمَعْرُوفِ فَإِنَّهَا تَقِي مَصَارِعَ الْهَوَانِ»: نیکوکاری از ذلت و خواری جلوگیری می‌کند (دشتی، ۲۱۱).

«فَاعْمَلُوا، وَ الْعَمَلُ يُرْفَعُ، وَ التَّوْبَةُ تُنْفَعُ»: کار [نیک] انجام دهید، زیرا که کار نیک انسان را بالا می‌برد و به توبه سودمند است (دشتی، ۴۶۷).

در این عبارت «فَاعْمَلُوا» یعنی انجام دهید مقصود کار نیک را انجام دهید و ما بعد آن کلمه «العمل» که به قرینه ماقبل کلمه الصالح حذف شده است و یا در عبارت «إِنَّ مَنْ صَرَخَتْ لَهُ الْعَيْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ»: کسی که عبرت‌ها برای او آشکار شود، و از عذاب آن پند گیرد، خویشتن داری و تقوا، او را از ارتکاب اشتباهات باز می‌دارد. (خطبه ۱۶، دشتی، ص ۸۴).

در این خطبه، تقوی و خویشتن داری، خود از آثار اعمال نیک است.

در جای دیگری نیز می‌فرماید: «الْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرَتْهُ الْآخِرَةُ» (خطبه ۲۳، ص ۱۰۲): عمل صالح، کشت آخرت است.

و در عبارت «فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامٍ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ نَفَعَهُ عَمَلُهُ وَ لَمْ يَضُرَّهُ أَجَلُهُ» (خطبه ۲۸، ص ۱۱۶): هر کس در روزگار آرزو قبل از فرا رسیدن اجلس اعمال نیک انجام دهد اعمالش به نفع او خواهد بود و اجلس به ضررش نخواهد بود.

## تفاوت های مفهومی اعمال نیک با واژه های مرتبط با آن

### عمل نیک و عمل صالح

عمل نیک که ما آن را با کلمه خیر در نهج البلاغہ و قرآن کریم معرفی نموده ایم واژه ای است جامع و فراگیر و هر چیزی را که ارزشمند مطلوب و سودرسان باشد شامل می شود. گاهی این واژه برای مال بکار رفته که در آیه شریفه «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأُولَادِ» (بقره، ۱۸۰): به معنای مال و امور دنیوی به کار رفته ولی عمل صالح برای امور دنیوی به کار نمی رود.

### عمل نیک و عمل حسن

اعمال نیک یا حسنه که جمع آن حسنات نیز می باشد دارای کاربرد وسیعی است که می توان آن را درباره هر چیزی که احساس خوشی، رضایت و زیبایی را برانگیزد بکار برد و باز هم امور دینی و دنیوی را شامل می گردد. مثلاً در آیه شریفه «رِزْقًا حَسَنًا» در سوره مبارکه نحل آیه ۶۷، حَسَنًا به معنای لذیذ به کار رفته است. شیخ طوسی اعمال صالح را به نوعی از حسنات که همان طاعات الهی است تفسیر نموده است: «الاعمال الحسناتو هی الحسنات التی هی طاعات الله». (طوسی، جلد ۳، ص ۲۳۲).

واژهی حسنه در تضاد با واژهی سیئه می باشد که بیشتر برای دو معنا کاربرد دارد. یکی با بدبختی و بلیه و دیگری معصیت و عمل بد به عنوان مثال در آیهی شریفه: «فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ»: پس هرگاه خوبی و خوشی به سراغشان می آمد، می گفتند: این حق (ما و به خاطر لیاقت) ماست، ولی اگر تلخی و بدی به آنان می رسید، به موسی و پیروانش فال بد می زدند (اعراف، ۱۳۱)، به معنای اول است و در آیهی شریفه «وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا»: و آنان که به دنبال کسب بدی ها رفتند، به قدر همان بدی ها مجازات دارند (یونس، ۲۷)، مربوط به معنای دوم است.

از این نکات چنین برداشت می شود که واژه عمل نیک بیشتر با «الخیر» و «العمل» در نهج البلاغہ مناسبت دارد، و واژه های دیگر مثل: «الصالح»، «الحسن»، «المعروف» هر چند در مواردی به معنای عمل نیک بکار رفته باشند ولی تفاوت کلی در بسیاری از مفاهیم خود دارند.

### آثار اعمال نیک از منظر امیرمومنان (ع)

اعمال نیک از منظر امیرمومنان (ع) آثار فراوانی دارد که برخی از آن ها مثبت و برخی منفی هستند، در اینجا به تعدادی از آن ها اشاره می گردد:

۱- خوار و ذلیل نشدن: از فرمایشات امیرمومنان (ع) چنین برمی آید که شخص نیکوکار، هیچگاه دچار خواری و ذلت نمی شود: «وَصَانَعُ الْمَعْرُوفِ فَإِنَّهَا تَقِي مَصَارِعَ الْهَوَانِ»: و انجام دهنده نیکوکاری، صاحبش را از افتادن به ورطه ذلت و خواری باز می دارد (دستی،

۱۳۸۰، ص ۲۱۱).

۲- اصلاح امور: از منظر امیر مومنان علی (ع)، نیکوکاری باعث اصلاح ضمیر و باطن شخص گردیده و هر کس که باطنش اصلاح گردد، ظاهرش نیز اصلاح می‌گردد: «مَنْ أَصْلَحَ سِرِّرَتَهُ، أَصْلَحَ اللَّهُ عِلَاقَتَهُ؛ وَمَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ، كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاةٍ؛ وَمَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ، أَحْسَنَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ» (دشتی، ۱۳۸۰، ص ۷۳۱): هر کس باطنش را اصلاح کند، خداوند ظاهرش را اصلاح می‌نماید، و هر کس برای دینش کار کند، خداوند کار دنیایش را کفایت می‌کند و هر کس میان خود و خدا نیکی کند، خداوند میان او و مردم را نیک می‌گرداند.

۳- محو بدی ها: از دیدگاه امیرمومنان (ع) نیکی و اعمال نیک، بدی‌ها را از بین می‌برند و نظیر همین تعبیر را در قرآن کریم نیز داریم که حضرت کلامش مقتبس از این آیه شریفه است که: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود، ۱۱۴). حضرت نیز در نهج البلاغه چنین می‌فرماید: «الْإِسَاءَةُ يَمْحَاهَا الْإِحْسَانُ» (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۴۹): که نیکی بدی را محو می‌کند.

۴- نزول رحمت الهی: حضرت معتقد است که با انجام نیکی، رحمت‌های واسطه الهی بصورت مستمر و پشت سرهم بر فرد نیکوکار نازل می‌گردند. «مَعَ الْبِرِّ تَدْرُ الْرَحْمَةُ» (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۷۰۳): به‌مراه نیکی، رحمت خداوند مکررا و مکرارا نازل می‌گردد.

۵- تسخیر قلوب: نیز بنابر فرمایش امیرمومنان علی (ع) از جمله آثار مثبت نیکی کردن، تسخیر قلب و جای گرفتن در قلب‌های مومنان است.

چنانچه، مکررا با عبارت‌های مختلف، این تعبیر از زبان مولا (ع) شنیده شده؛ مانند: «بِالْإِحْسَانِ تُمْلِكُ الْقُلُوبَ»: نیکی قلب‌ها را تسخیر می‌کند. و یا عبارت: «الإِحْسَانُ يَسْتَعْبِدُ الْإِنْسَانَ» و یا «مَنْ كَثُرَ إِحْسَانُهُ أَحَبَّهُ إِخْوَانُهُ»: هر کس احسانش بیشتر باشد، برادرانش زیاد می‌شوند (مجلسی، ۱۳۸۰، ۲۷۰/۶۹).

خطبه متقین (پارسایان)، حضرت نیز سراسر اوصاف اعمال نیک و نیکوکاران است. مثل عبارت: «فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ: مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ، وَ مَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ، وَ مَشِيَّتُهُمُ النَّوَاضِعُ»: پارسایان، اهل فضیلت‌هایی هستند، منطق و سخن گفتنشان راست و درست است، لباسشان میانه روی است و راه و مشی آن‌ها فروتنی و تواضع است.

حال باید موانع نیکوکاری را از منظر امیرمومنان (ع) مورد بررسی و تدقیق قرار دهیم؛

موانع نیکوکاری از منظر امیرمومنان علی (ع) در نهج البلاغه:

۱- دنیاخواهی و فریب دنیا را خوردن: از منظر امام علی (ع) فریب دنیا را خوردن یکی از موانع نیکوکاری است. «وَلَا تُعَزِّنْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا كَمَا عَزَّتْ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ» (دشتی، ۱۳۸۰، ص ۴۶۹): دنیا شما را نفریبد، آن سان که پیشینیان از شما را فریفت، امت‌هایی



کہ پیش از شما بودند و از میان رفتند.

۲- بخل: از منظر امیرمومنان (ع)، بخل یکی از موانع نیکوکاری است و در نامه ای کہ بہ مالک اشتر نخعی می نویسد اینگونه اشارہ می فرماید کہ: «وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ»: بخیل را در مشورت کردن دخالت مده، کہ تو را از نیکوکاری باز می دارد (دشتی، ۱۳۸۰، ص ۵۷۱).

۳- منت گذاشتن: از نگاه حضرت یکی دیگر از موانع نیکوکاری و عیوبی کہ فرد نیکوکار را از نیکی کردن باز می دارد، منت گذاشتن است و این مسالہ در قرآن کریم ہم مورد تاکید قرار گرفته است، چنانچہ خداوند متعال در سورہ بقرہ آیہ ۲۶۴ می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى...»: ای کسانی کہ ایمان آورده اید، نیکی هایتان را با منت گذاشتن و اذیت، از میان نبرید (بقرہ، ۲۶۴).

در نهج البلاغہ نیز عبارت: «وَأِيَّاكَ وَالْمَنْ عَلَى رَعِيَّتِكَ»: از تو دور باد، بخاطر کارهایی کہ بر مردم انجام داده ای، بر سر مردم منت بگذاری (دشتی، ۵۸۹).

۴- پاداش نیکوکار را ندادن: از نگاه امیرمومنان (ع) در نهج البلاغہ یکی از موانع نیکی کردن در جامعہ این است کہ پاداش شخص نیکی کننده بہ او داده نشود، و یا در جامعہ نیکوکار و بدکار در نظر مسئولان برابر باشند، کہ این مسالہ انسان های نیک را نسبت بہ انجام خوبی و نیکی، بی رغبت می نماید و بدکاران را در بدی تشویق می کند.

لذا در ادامه نامه ایشان بہ مالک اشتر نخعی چنین آمده است: «وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيْبًا لِأَهْلِ الْأَخْسَانِ فِي الْأَخْسَانِ، وَتَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْأَسَاءَةِ عَلَى الْأَسَاءَةِ»: هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا نیکوکاران را در نیکی کردن بی رغبت و بدکاران را در بدکاری تشویق و عادت می دهد (دشتی، ۵۷۱).

## نتیجہ گیری

اعمال نیک در نهج البلاغہ امیرمومنان (ع) با واژه هایی چون احسان، معروف، بر، خیر و خود کلمہ عمل و نیز تقوی بکار رفته است. از منظر امیرمومنان، تقوی، عدم خواری و ذلت، محو بدی ها و تسخیر قلوب از جمله آثار مثبت اعمال نیک بوده و بخل و منت گذاشتن، پاداش نیکوکار را ندادن، از موانع انجام کار نیک محسوب می شود.

## فهرست منابع

- قرآن کریم. ترجمه حسین انصاریان، قم، انتشارات دانش.
۱. ابن منظور، محمد. (۱۴۰۵ق). لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه.
  ۲. اصفهانی، راغب. (۱۹۹۸). المفردات فی غریب قرآن، بیروت، دارالمعرفه.
  ۳. اکبری‌راد، طیبه. (۱۳۸۷). تفاوت دیدگاه مفسران با دیدگاه معناشناسانه در رابطه با مفهوم عمل، انتشارات کویر.
  ۴. دشتی، سید محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه امیرمومنان علی (ع)، قم، انتشارات مشهور.
  ۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۰). سلونی قبل ان تفقدونی (تحریر نهج البلاغه)، نشر اسراء.
  ۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پیام امیر المومنین، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
  ۷. جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۳). ترجمه و شرح نهج البلاغه، مشهد مقدس، انتشارات آستان قدس رضوی.
  ۸. طالقانی، سید محمود. (۱۳۸۰). پرتوی از نهج البلاغه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.
  ۹. منتظری، حسینعلی. (۱۳۹۷). درسهایی از نهج البلاغه، تهران، انتشارات سزایی.
  ۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
  ۱۱. خراسانی، علم الهدی. (۱۳۷۴). نهج البلاغه (سخنان پیامبر(ص) و امیر مومنان(ع))، تهران، کتابخانه‌ی صدر.
  ۱۲. خوانساری، سید جمال الدین. (۱۳۶۶). شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم، تهران، دانشگاه تهران.
  ۱۳. زمانی، مصطفی. (۱۳۶۰). ترجمه و شرح نهج البلاغه، قم، پیام اسلام.
  ۱۴. ابن شعبه الحرانی، حسن (۱۴۴۰ق). تحف العقول عن آل الرسول ص، قم، جامعه مدرسین.
  ۱۵. راغب اصفهانی، حسین. (۱۳۸۶). مفردات الفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران، نشر سبحان.
  ۱۶. خوئی، حبیب الله. (۱۴۰۵ق). منهج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تهران، مکتب الاسلامیه.
  ۱۷. صالحی، اکبر. تهامی، رحیمه الاسادات. (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل عوامل و موانع مؤثر در تربیت دینی بر مبنای سخنان حضرت علی(ع) در نهج البلاغه.
  ۱۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). انسان کامل (مجموعه آثار شماره ۲۳)، تهران، صدرا، چاپ سوم.
  ۱۹. نسفی، عزیزالدین. (۱۳۷۷). الانسان کامل، تهران، کتابخانه طهوری، جلد ۴.
  ۲۰. موسوی، سید عباس علی. (۱۳۷۶). شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالرسول الکریم.
  ۲۱. مغنیه، محمدجواد. (۱۳۵۸). فی ظلال نهج البلاغه، بیروت، دارالعلم ملائین.
  ۲۲. عبده، محمد. (بی تا). شرح نهج البلاغه، محصح محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، مطبعه الاستقامه.